

شاهزاده‌ی مترجمان: ویلیام تیندیل

استیون لاسون

ویلیام تیندیل (حدود ۱۴۹۴-۱۵۳۶) به اصلاحات در انگلستان، کمک بزرگی کرد. بسیاری می‌گویند ترجمه‌ی او از کلام خدا به انگلیسی و نظارت بر چاپش به اصلاحات کمک زیادی کرده است. برایان ادواردز، یکی از زندگی‌نامه‌نویسان، می‌گوید تیندیل نه تنها «قلب اصلاحات در انگلستان» بود، بلکه او «خود اصلاحات در انگلستان بود». به سبب قدرت استفاده‌اش از زبان انگلیسی در ترجمه‌ی کتاب مقدس، این اصلاح طلب را «پدر انگلیسی نوین» نامیده‌اند.

جان فاکس حتی او را «رسول انگلستان» نامید. بدون شک، تیندیل با کار عظیمش، تاریخ انگلستان و تمدن غرب را متحول کرد.

تیندیل در اوایل دهه‌ی ۱۴۹۰، احتمالاً سال ۱۴۹۴، در گلاسترشایر، منطقه‌ای روستایی در غرب انگلستان، به دنیا آمد. خانواده‌ی تیندیل، خانواده‌ی کوشا و مهمی از کشاورزان نیکوکاری بود که استطاعت فرستادن ویلیام به دانشگاه آکسفورد را داشتند. در ۱۵۰۶، ویلیام دوازده‌ساله به مدرسه‌ی مگدالن رفت که حکم مدرسه‌ی دستور زبان پیش‌دانشگاهی را داشت و در کالج مگدالن آکسفورد واقع شده بود. بعد از سپری کردن دو سال در مدرسه‌ی مگدالن، تیندیل وارد کالج مگدالن شد و در آنجا دستور زبان، علم حساب، هندسه، نجوم، موسیقی، بلاغت، منطق و فلسفه آموخت. همچنین، زیر نظر بهترین اندیشمندان انگلستان، در یادگیری زبان نیز پیشرفت سریعی کرد. در سال ۱۵۱۲، مدرک کارشناسی و در سال ۱۵۱۵، کارشناسی ارشدش را گرفت. پیش از ترک آکسفورد، تیندیل به مقام کشیشی منصوب شد.

کمبریج و میخانه‌ی وایت هورس

پس از آن، تیندیل به دانشگاه کمبریج رفت؛ گفته می‌شود که مدرکی هم از آنجا گرفت. بسیاری از آثار مارتین لوتر میان استادان و دانشجویان دست‌به‌دست می‌گشت و هیجان زیادی در محیط دانشگاه ایجاد کرده بود. در چنین محیطی بود که تیندیل حقایق اصلی جنبش پروتستان را پذیرفت.

در ۱۵۲۰، فقط سه سال پس از انتشار بیانیه‌ی ۹۵ ماده‌ای لوتر، گروهی از اندیشمندان کمبریج کم‌کم به‌طور مرتب، ملاقات‌هایی ترتیب دادند تا درباره‌ی الهیات «جدید» گفتگو کنند. آن‌ها در میخانه‌ای در محیط کینگز کالج، به نام میخانه‌ی وایت هورس، جمع

می‌شدند. از آنجایی که درباره‌ی نظریات اصلاح‌طلب آلمانی بحث می‌کردند، گروه‌شان به نام «آلمان کوچک» معروف شد. بسیاری از افراد این گروه بعداً، رهبران جنبش اصلاحات شدند.

در ۱۵۲۱، تیندیل احساس کرد که لازم است از فضای علمی کمی دور شود تا بتواند با دقت بیشتری درباره‌ی حقایق اصلاحات تفکر کند. همچنین، می‌خواست زمانی هم برای مطالعه و درک عهد جدید یونانی کنار بگذارد. از این رو، شغلی در گلاسترشایر پیدا کرد؛ قرار شد برای خانواده‌ی ثروتمند سِر جان والش کار کند. در این دوران، او فهمید که انگلستان هرگز با استفاده از انجیل‌های لاتین، قادر به دریافت بشارت نخواهند بود. او متوجه شد که «غیرممکن است که حقایق را در ذهن افراد غیر روحانی بنیان نهاد، مگر اینکه کتاب مقدس به زبان مادری‌شان جلوی چشم‌شان باشد.»

کشیش‌های محلی اغلب برای صرف شام به عمارت والش می‌آمدند و تیندیل به چشم خود، بی‌توجهی هولناک روحانیون روم را می‌دید. در یکی از این مهمانی‌ها، بحث داغی بین او و یکی از روحانیون کاتولیک شکل گرفت. روحانی کاتولیک می‌گفت: «بهتر است از شریعت خدا دور باشیم تا شریعت پاپ.» تیندیل شجاعانه پاسخ داد: «من در مقابل پاپ و تمام شریعتش می‌ایستم.» سپس این گفته‌ی معروف را نیز اضافه کرد: «اگر خدا به من توفیق دهد، کاری خواهم کرد که پسری که زمین را شخم می‌زند از شما بیش‌تر درباره‌ی کتاب مقدس بداند.» از اینجا به بعد، کار بلندپروازانه‌ی ترجمه‌ی کلام خدا به انگلیسی انگیزه‌ی زندگی تیندیل شد.

هدفمند به سوی لندن

در سال ۱۵۲۳، تیندیل به دنبال اجازه‌ی رسمی برای پروژه‌ی ترجمه به لندن رفت. قرار گذاشت که اسقف لندن، کاتبرت تونستال، را ملاقات کند. تیندیل گمان می‌کرد تونستال از پروژه‌ی ترجمه‌اش استقبال کند، اما با مقاومت او روبه‌رو شد. تونستال عزمش را جزم کرده بود تا مانع از گسترش نظریات لوتر شود؛ زیرا می‌ترسید در انگلستان نیز آشوب به پا شود، مثل تظاهراتی که پس از انتشار نسخه‌ی آلمانی لوتر از کتاب مقدس در سال ۱۵۲۲، در آلمان شکل گرفت. تونستال می‌دانست که نسخه‌ی انگلیسی کتاب مقدس، که تمام مردم می‌توانستند به آن دسترسی داشته باشند، تعلیمات اصلاحات را ترویج خواهد داد و کلیسای کاتولیک را زیر سؤال خواهد برد. تیندیل خیلی زود فهمید که برای به سرانجام رساندن پروژه‌ی ترجمه‌اش، باید کشور را ترک کند.

در آوریل ۱۵۲۴، تیندیل، که حدود سی سال داشت، با کشتی به سوی اروپا رفت تا کار ترجمه و انتشارش را شروع کند. تیندیل دوازده سال انتهای زندگی‌اش را در تبعید از انگلستان، به‌مثابه‌ی فردی فراری و قانون‌شکن گذراند.

به نظر می‌رسد تیندیل پس از ورود به هامبورگ در آلمان، ابتدا به ویتنبرگ رفت تا تأثیر لوتر، که بقایای اقتدار پاپ را از بین برده بود، از نزدیک لمس کند. در اینجا، تیندیل کار ترجمه‌ی عهد جدید از یونانی به انگلیسی را آغاز کرد.

در آگوست ۱۵۲۵، تیندیل به کلن رفت و در آنجا، اولین ترجمه‌اش از عهد جدید را به پایان رساند. در این شهر شلوغ، تیندیل چاپچی‌ای به نام پیتر کوئنتل پیدا کرد تا ترجمه‌اش را چاپ کند. او مایل بود فرایند چاپ، تحت هر شرایطی، در خفا انجام گیرد، اما خبر چنین پروژه‌ای به بیرون درز پیدا کرد. بان کاکلیس، یکی از مخالفان سرسخت اصلاحات، خبر را شنید و سریع ترتیبی داد تا انتشاراتی مورد یورش قرار گیرد. باین‌حال، به تیندیل از قبل هشدار داده بودند؛ پس از اینکه تنها ده صفحه به چاپ رسیده بود، برگه‌های چاپ‌شده را جمع و شبانه فرار کرد. او به راین و به شهر وُرمس، که پذیرای پروتستان‌ها بود، رفت. در ۱۵۲۶، تیندیل چاپچی‌ای به نام پیتر شفر یافت که پذیرفت چاپ عهد جدید انگلیسی او را به اتمام برساند. این اولین قسمت کتاب مقدس بود که از یونانی به انگلیسی ترجمه‌اش کرده بودند و به صورت مکانیکی چاپ شد. حدود شش هزار نسخه به انگلیسی رایج چاپ شد. در بهار ۱۵۲۶، تیندیل عهد جدید انگلیسی‌اش را در میان بارهای پنبه به انگلستان قاچاق کرد. خیلی زود، تقاضا از عرضه پیشی گرفت.

در تابستان ۱۵۲۶، دیگر توزیع زیرزمینی عهد جدید تیندیل بر مقامات کلیسا آشکار شده بود. هم اسقف اعظم کانتربری و هم اسقف لندن از این موضوع خشمگین بودند. آنها هر نسخه‌ای از عهد جدید تیندیل را که پیدا می‌کردند، می‌سوزاندند و خرید، فروش و نگهداری آن را جرمی بزرگ اعلام کردند. با این وجود، چنین اقداماتی مانع از پخش ترجمه‌ی تیندیل نشد. فقط تقاضا را افزایش داد.

در ۱۸ ژوئن ۱۵۲۸، اسقف اعظم یورک، کاردینال تامس وولسی، سه مأمور را به اروپا فرستاد تا با جدیت به دنبال تیندیل بگردند. وولسی به جان هکت—سفیر انگلستان در هلند—نیز دستور داد تا از ولیعهد هلند برای دستگیری تیندیل کسب اجازه کند. تیندیل برای حفظ امنیتش، به ماربرگ رفت. هکت هم سرانجام گزارش داد که نتوانسته‌اند تیندیل را پیدا کنند.

ترجمه‌ی تورات

در سپتامبر ۱۵۲۸، اقدامی دیگر برای ردیابی تیندیل صورت گرفت. جان وست، یک راهب، را از انگلستان به اروپا فرستاد تا فراری را دستگیر کند و به کشور بازگرداند. وست در پوشش شهروندی عادی به آنتورپ رسید و جستجوی تیندیل را آغاز کرد. شهرها را زیر پا گذاشت و چاپچی‌ها را بازجویی کرد. تیندیل که فشار را احساس می‌کرد، در ماربرگ ماند. او زمانش را صرف یادگیری خودآموز عبری می‌کرد، زبانی که در دوران دانشجویی‌اش، در دانشگاه‌های انگلستان تدریس نمی‌کردند. این مهارت جدید سبب شد تیندیل به ترجمه‌ی تورات از عبری به انگلیسی دست بزند.

در ۱۵۲۹، تیندیل از ماربرگ به آنتورپ رفت. این شهر پر رونق، یک چاپ با کیفیت، انگلیسی‌های هم‌دل و مسیری مستقیم برای عرضه به انگلستان را فراهم می‌کرد. در این شرایط جدید، ترجمه‌ی پنج کتاب موسی را تمام کرد، اما به‌نظرش آمد که ماندن در چنین شهر بزرگی خطرناک است. فهمید که تورات باید در جایی دیگر به چاپ برسد. بنابراین تیندیل سوار کشتی شد تا به دهانه‌ی رود اِلب در آلمان و سپس به هامبورگ برود. اما یک طوفان شدید کشتی را درنوردید و در سواحل هلند غرق شد. افسوس که تمام کتاب‌ها، نوشته‌ها و ترجمه‌اش از تورات در دریا گم شدند. مجبور بود کار را از اول شروع کند.

تیندیل سرانجام به هامبورگ رسید. آنجا، خانواده‌ی وان امرسونز، که از طرفداران سرسخت اصلاحات بودند، از او پذیرایی کردند. در این محیط محافظت‌شده، تیندیل کار طاقت‌فرسای ترجمه‌ی دوباره‌ی تورات از زبان عبری را آغاز کرد. این کار از مارس تا دسامبر ۱۵۲۹ طول کشید. در ژانویه ۱۵۳۰، پنج کتاب موسی به انگلیسی در آنتورپ چاپ شدند و به‌صورت قاچاق، به انگلستان نیز راه یافته و توزیع شدند.

در نوامبر ۱۵۳۰، تامس کرامول، یکی از مشاوران هنری هشتم، از راهبردی دیگر جهت دستگیری تیندیل استفاده کرد. او استیون وان، تاجری انگلیسی و از طرفداران اصلاحات، را مأمور پیدا کردن تیندیل کرد. به وان گفته بودند که از طرف پادشاه، به تیندیل پیشنهاد درآمد و بازگشت امن به انگلستان را ارائه دهد. وان وقتی که به اروپا رسید، برای تیندیل نامه‌هایی فرستاد. تیندیل پاسخش را داد و در آوریل ۱۵۳۱، چندین بار در آنتورپ، مخفیانه یکدیگر را ملاقات کردند. با این وجود، تیندیل می‌ترسید که پادشاه درباره‌ی بازگشت امن زیر قولش بزند و کار ترجمه‌ی او را منحل کند. از این رو، تیندیل به وان گفت که فقط در یک صورت برمی‌گردد— پادشاه باید دستور بدهد فرد دیگری کلام خدا را به انگلیسی ترجمه کند. تیندیل گفت که اگر پادشاه این کار را انجام دهد، به

انگلستان باز می‌گردد، دیگر هرگز ترجمه نخواهد کرد و زندگی و حتی در صورت لزوم، مرگش را وقف پادشاه خواهد کرد. در ۱۹ ژوئن، وان از آنتورپ، این سخن ساده را برای کرامول نوشت: «او [تیندیل] فقط یک نت می‌خواند.» به عبارتی دیگر، تیندیل کلامش را عوض نخواهد کرد. او تا زمانی که پادشاه دستور ترجمه‌ی کتاب مقدس به انگلیسی را ندهد، به انگلستان بازمی‌گردد.

دستگیری در آنتورپ

در اوایل ۱۵۳۴، تیندیل در آنتورپ، مهمان‌خانه‌ی تامس پوینتزر، تاجر انگلیسی ثروتمند، شد. به گفته‌ی زندگی‌نامه‌نویس تیندیل، دیوید دنیل، او «دوستی مهربان، زیرک و طرفداری وفادار» بوده است. پوینتزر از تیندیل حفاظت و حتی حقوقی هم برایش فراهم کرد. تیندیل که احساس امنیت می‌کرد، کار ویراست ترجمه‌ی عهد جدیدش را در دست گرفت. این ویراست جدید در مقایسه با ویراست ۱۵۲۶، شامل حدود چهار هزار تغییر و اصلاح می‌شد. تیندیل دیگر عبری را نیز به خوبی یونانی می‌دانست. این امر سبب شد تا با مهارت بر روی ترجمه‌ی قسمت بعدی عهد عتیق، از یوشع الی دوم تواریخ، کار کند.

در انگلستان، مردی به نام هری فیلیپس پول زیادی از پدرش می‌گیرد تا به مردی در لندن بدهد، اما فیلیپس پول را در راه قمار از دست می‌دهد. یکی از مقامات بلندپایه‌ی کلیسا—احتمالاً اسقف لندن، جان استوکسلی—از گرفتاری فیلیپس آگاه می‌شود و به او پول زیادی پیشنهاد می‌دهد تا به اروپا برود و تیندیل را پیدا کند. فیلیپ که چاره‌ی دیگری نداشته، می‌پذیرد. او در اوایل تابستان ۱۵۳۵، به آنتورپ رسید و با تاجران انگلیسی ارتباطات لازم را برقرار کرد. هنگامی که تیندیل را پیدا کرد، فریب کارانه با او دوست شد و اعتماد تیندیل را جلب کرد. روزی تیندیل را به مکانی تنگ کشاند و در آنجا، سربازان دستگیرش کردند. تیندیل پس از دوازده سال فرار، دستگیر شد.

سپس، به خانه‌ی پوینتزر هجوم بردند و تعدادی از متعلقات تیندیل را ضبط کردند. با این حال، ترجمه‌ی حجیم و دست‌نویس او از یوشع الی دوم تواریخ به گونه‌ای، از این هجوم در امان ماند. احتمالاً این ترجمه در دست دوستش جان راجرز بوده که سرانجام در کتاب مقدس نسخه‌ی متیو (۱۵۳۷) چاپش کرد.

محبوس در ویلوورد

تیندیل را در قلعه‌ی ویلوورد در شش مایلی شمال بروکسل، زندانی کردند. تیندیل حدود یک سال و نیم در آنجا زجر کشید تا

مقدمات محاکمه‌اش انجام شود. فاکس می‌نویسد که تیندیل «بر روی دشمنانش تأثیر می‌گذاشت»؛ زیرا در دوران حبس، «گفته می‌شود که دین زندانبان، دختر زندانبان و دیگر اعضای خانواده‌اش را تغییر داد.»

سرانجام در آگوست ۱۵۳۶، تیندیل را محاکمه کردند. اتهام‌های زیادی به او وارد بود و به بدعت‌گذاری محکومش کردند. در همان روز، تیندیل در ملأعام، از مقام کشیشی تکفیر شد. سپس، جهت مجازات به دست قدرت‌های حکومتی سپرده شد. او را محکوم به اعدام کردند.

در ۶ اکتبر ۱۵۳۶، تیندیل را اعدام کردند. او را با طناب دار خفه کردند، سوزاندند و بدنش را با باروت متلاشی کردند، اما پیش از مرگش، آخرین سخن معروفش را فریاد زد: «خداوندا، چشمان پادشاه انگلستان را باز کن.»

دکتر استیون جی. لاوسون، رییس و بنیانگذار سازمان OnePassion Ministries و یکی از معلمین همکار در سازمان خدمات لیگونیئر هستند. ایشان نویسنده‌ی کتاب‌های بسیاری از قبیل *Foundations of Grace and The Passionate Preaching of Martyn Lloyd-Jones* می‌باشند.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک](#) منتشر شده است.